

# بررسی آثار درآمدهای نفتی بر اقتصاد ایران

(به عنوان موردی مشابه بیماری هلندی)

پروانه جهانی رائینی<sup>\*</sup>، امیر مرتضوی<sup>\*\*</sup> و محمدمهری مجاهدی<sup>\*\*\*</sup>

در این مقاله تلاش شده است تا مبانی نظری بیماری هلندی مورد بررسی قرار گرفته و با استفاده از شاخصهایی، وجود یا عدم وجود آن در اقتصاد ایران آزمون شود. براساس ملاحظات نظری اولین نتیجه تزریق درآمدهای ارزی حاصل از صادرات موادخام، تقویت پول ملی و رشد عرضه پول در درون نظام اقتصادی است که علاوه بر دامن زدن بر رشد مصرف در جامعه، با افزایش نسبت شاخص قیمت کالاهای غیرقابل مبادله به قابل مبادله در کنار ساختارهای غیر بهینه تولید، هزینه ثابت سرمایه و نیز هزینه ریالی تولید را افزایش می‌دهد و غیر رقابتی بودن محصول صنایع داخلی را تشدید می‌کند که همه این عوارض به عنوان آثار بروز بیماری هلندی در اقتصاد تلقی می‌شود. یکی از معتبرترین شاخصها جهت تأیید بیماری هلندی از بعد نظری و آماری، نسبت شاخص قیمت کالاهای غیرقابل مبادله به کالاهای قابل مبادله است که در این مورد تفکیک آماری مشخصی در کشور وجود ندارد. اطلاعات آماری استخراج شده از شاخص جانشین بیان کننده آن است که با رشد درآمدهای نفتی نسبت شاخص قیمت کالاهای غیرقابل مبادله به قابل مبادله افزایش ملایمی را طی سالهای گذشته تجربه کرده است که در سالهای اخیر دارای رشد سریع تری نیز بوده است. این امر گمان ما را در مورد وجود سطح خفیفی از بیماری هلندی در کشور، بهویژه در سالهای اخیر تقویت می‌کند، هر چند که استفاده از در این رابطه همواره استنتاج نتایج قطعی را با تردید رو برو می‌کند.

**واژه‌های کلیدی:** بیماری هلندی، اقتصاد ایران، درآمدهای نفتی، نسبت شاخص قیمت کالاهای غیرقابل مبادله به قابل مبادله.

\* کارشناس ارشد علوم اقتصادی، معاون مدیرکل دفتر تحقیقات و سیاستهای پولی و بازرگانی معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی

\*\* کارشناس ارشد علوم اقتصادی، کارشناس ارشد گروه تحقیقات و سیاستهای پول و بانکداری دفتر تحقیقات و سیاستهای پولی و بازرگانی معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی

\*\*\* دانشجوی دوره دکتری علوم اقتصادی دانشگاه اصفهان

## ۱. مقدمه

برای بیماری هلندی بر اساس آزمون آن در ساختارهای اقتصادی مختلف و اهداف مطالعات، تعاریف نزدیک به هم، اما متنوعی ارائه شده است. این تعاریف از زوایای متفاوتی به بیماری هلندی نگریسته‌اند، گاهی در این تعاریف عوارض بیماری براساس ساختار اقتصادی کشورهای مختلف مورد تأکید قرار گرفته و به عنوان وجه تعریف بیماری هلندی عنوان شده است. گاهی در این بیماری علت شناسی و علل بروز آن وجه تعریف آن قرار گرفته است و بعضی اوقات به این بیماری از دیدگاه سازوکارها و فرآیندهای تأثیر آن بر اقتصاد برخی کشورها نگریسته شده و تعریف از بیماری یادشده با همین رویکرد صورت گرفته است. در این گزارش ضمن نگاهی اجمالی به تعاریف مختلف ارائه شده از این بیماری، مسئله با تأکید بر ساختار اقتصادی کشور مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین تلاش شده برخی شاخصهای اقتصادی که می‌تواند ابعاد این بیماری را در اقتصاد ایران نشان دهد استخراج و مورد تحلیل قرار گیرد. در پایان راهکارهایی برای ممانعت یا تخفیف آثار احتمالی این بیماری در اقتصاد ایران ارائه شده است.

## ۲. تعاریف

اصطلاح بیماری هلندی اولین بار برای توضیح پدیده‌ای که در هلند مشاهده شد، مورد استفاده قرار گرفت و این پدیده زمانی اتفاق افتاد که استخراج گاز طبیعی از دریای شمال شروع شد. در عمل بهره برداری از منابع طبیعی این کشور با کاهش تولید در سایر بخش‌های اقتصادی همراه شد. همچنین افزایش عواید ارزی باعث شد نیروی کار و امکانات تولید از بخش صنعتی به بخش‌های دیگر مثل خدمات اداری و ساختمان سازی انتقال یابد.<sup>۱</sup>

پس از اینکه در سال ۱۹۵۹ میلادی منابع عظیمی از گاز طبیعی در هلند کشف شد، تا سال ۱۹۷۶ بیش از ۲ میلیارد دلار به درآمدهای کشور اضافه شد، ضمن اینکه به میزان تقریبی ۳/۵ میلیارد دلار نیز صرفه‌جویی ارزی حاصل از بی نیازی به واردات به دست آمد، اما در این سال نسبت به ابتدای دهه ۱۹۷۰ میلادی سرمایه‌گذاری ناچالص شرکتها ۱۵ درصد و استخدام در بخش صنعتی ۱۶ درصد کاهش یافت بود، همچنین نرخ بیکاری از ۱/۱ به ۵/۱ درصد افزایش و سهم سود در درآمد ملی نیز از ۱۶/۸ در دهه ۱۹۶۰ به ۳/۵ درصد در نیمة اول دهه ۱۹۷۰ کاهش یافته بود. محققان این پدیده را چنین توجیه کردند که با افزایش درآمد حاصل از فروش منابع طبیعی،

۱. حسن گلریز، فرهنگ توصیفی اصطلاحات پول، بانکداری و مالیه بین‌المللی، انگلیسی-فارسی ویرایش دوم، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۸۰، ص ۱۴۴.

مقادیر متنابهی ارز وارد کشور می‌شود. این مسئله موجب تقویت پول ملی شده و در نتیجه قیمت کالاهای قابل تجارت را نسبت به کالاهای غیرقابل تجارت کاهش می‌دهد، این موضوع سبب کاهش قدرت رقابت بخش تجاری اقتصاد شده و در عمل منابع تولید (سرمایه و کار) را روانه بخش‌های منابع طبیعی و غیرتجاری اقتصاد می‌کند. از سوی دیگر با تقویت پول ملی قیمت کالاهای وارداتی کاهش می‌یابد و در نتیجه افزایش واردات سبب کاهش تولید انواع داخلی آنها می‌شود و در مجموع وجود این عوامل در کنار هم باعث بروز پدیده "صنعت زدایی" می‌شود.<sup>۱</sup>

بعداً تجربه‌های مشابهی در جامائیکا از ناحیه صنعت بوکسیت و ونزوئلا در صنعت نفت تکرار شد<sup>۲</sup> و به واسطه تکرار این تجربه‌ها در سایر کشورها، مطالعات و تحقیقات علمی در این مورد گسترش یافت. با این حال محور تأکید مطالعات انجام شده در این مورد در کشورهای مختلف، متفاوت و تعریف ارائه شده از این بیماری براساس ساختار اقتصادی کشورها تعدیل شد.

در بیشتر تعاریف از بیماری هلندی، به آنچه سبب کندی رشد و حتی نزول وضع اقتصادی کشورهای دارای منابع غنی شود دلالت دارد<sup>۳</sup> به عبارت دیگر از این منظر پیش‌بینی می‌شود که بروز رونق صادرات مواد اولیه موجب افزایش ناگهانی درآمدهای ارزی خواهد شد. این امر به افزایش تقاضای کل منتهی می‌شود که این خود افزایش قیمت نسبی کالاهای غیرقابل مبادله در مقایسه با قیمت کالاهای قابل مبادله، تغییر در الگوی رفتاری دولت در مورد چگونگی جذب و تعديل این درآمدها در داخل و خارج کشور و تغییر الگوی توسعه اقتصادی را در پی دارد.<sup>۴</sup>

در این راستا، بیماری هلندی به عنوان پیامدهای مضر حاصل از کشف منابع طبیعی اقتصاد ملی بر ساختار اقتصادی کشورها تعریف شده و رشد نامتوازن اقتصادی و تغییرات ساختاری حاصل از آن به عنوان بیماری هلندی مورد تأکید واقع شده است.<sup>۵</sup>

از این‌رو، رشد سریع و شکوفایی یک صنعت جدید باعث کاهش حجم فعالیت صنایع سنتی می‌شود. به همین دلیل از بیماری هلندی به عنوان پدیده صنعت زدایی<sup>۶</sup> در یک اقتصاد در نتیجه اکتشاف منابع طبیعی و بیش از حد تعیین کردن ارزش پول ملی تعریف می‌شود و بیماری

۱. نوروز کهزادی، "بررسی تجرب کشورها در اداره صندوقهای ذخیره ارزی"، بانک توسعه صادرات، شهریور ۱۳۸۴، صفحات ۱۱-۱۴.

۲. Donald Rutherford, *Routledge Dictionary of Economics*, 2<sup>nd</sup> Edition, New York: Routledge, Taylor and Francis Group 2002, Pages 155-156

۳. نوروز کهزادی، "بررسی تجرب کشورها در اداره صندوقهای ذخیره ارزی"، شهریور ۱۳۸۴، صفحات ۱۱-۱۴.

۴. همان، ص ۲۰۶.

۵. همان، ص ۲۰۷-۲۰۸.

6. Deindustrialization

هلندی فرآیندی در نظر گرفته شده که باعث کاهش قدرت رقابتی کالاهای صنعتی در مقایسه با سایر کشورها می‌شود و نتیجه نهایی آن افزایش واردات و کاهش صادرات است.<sup>۱</sup> سازوکار تحلیلی این رویکرد تأثیر رشد درآمدهای حاصل از منابع طبیعی بر قیمت کالاهای قابل مبادله و غیرقابل مبادله بوده است.<sup>۲</sup> به عبارت دیگر با افزایش ناگهانی ارزش صادرات مواد معدنی، تراز پرداختها با مازاد روبرو می‌شود و با توجه به نظام ارزی آن کشور این امر افزایش ارزش پول کشور را به دنبال دارد. ترقی نرخ ارز موجب افزایش قیمت کالاهای غیرقابل مبادله در مقایسه با کالاهای قابل مبادله می‌شود که در عمل نحوه تخصیص منابع را متاثر و آنرا به سمت کالاهای غیرقابل مبادله سوق می‌دهد. این امر تضعیف بخش قابل مبادله را در پی خواهد داشت.<sup>۳</sup>

در برخی رویکردها تأثیر این بیماری بر بازار نیروی انسانی مورد توجه بوده و تعریف ارائه شده نیز به فراخور هدف مطالعه و با محوریت بازار کار تعریف شده است. از این‌رو، عنوان شده است که رشد سریع برخی از صنایع موجب اختلاف قابل توجه دستمزدهای بالاتر را به نسبت سایر می‌شود. از آنجا که صنایع جدید اغلب، توان مالی پرداخت دستمزدهای بالاتر را به نسبت سایر صنایع خواهند داشت، افزایش سطح دستمزد باعث بیکاری در سایر صنایع می‌شود. صنایع جدید موفق، صادرات بالایی دارند و باعث ایجاد یک مازاد ارز خارجی در کشور می‌شوند و به همین سبب ارزش پول ملی آن کشور بالا می‌رود. از این‌رو سایر صنایع توانایی رقابتی خود را از دست خواهند داد. نکته مهم آن است که این اتفاق در هلند پس از کشف گاز دریای شمال رخ داد.

در برخی از تعاریف، بیماری هلندی با عوارض حاصل از آن شناخته شده است. برای مثال

برخی از نشانه‌های بروز بیماری هلندی به این شرح است:<sup>۴</sup>

- وابستگی شدید بودجه دولت و تولید ناخالص داخلی به منابع طبیعی،
- ارزش‌گذاری بیش از حد پول ملی،
- افزایش واردات به دلیل تقویت پول ملی،
- کاهش صادرات کالاهای قابل مبادله،
- کاهش سرمایه‌گذاری صنعتی،
- افزایش فعالیت در بخش‌های غیرقابل مبادله و صدور.

1. Oksand Dynikova/the Dutch Disease: Calibration for Russia/ Kirillsosuncv, WWW.nes.ru/english/about/10th-Anniversary/Presentations/Sosunov.pdf

۲. ناصر یدالهزاده طبری، "درآمدهای نفتی و بیماری هلندی"، اطلاعات سیاسی- اقتصادی، ص ۲۰۶.

۳. همان، ص ۲۰۶.

۴. نوروز کهزادی، "بررسی تجارب کشورها در اداره صندوقهای ذخیره ارزی"، بانک توسعه صادرات، شهریور ۱۳۸۴، صفحات ۱۵-۱۴.

## بررسی آثار درآمدهای نفتی بر اقتصاد ایران... ۱۰۷

برخی تعاریف در مورد این بیماری ناظر بر دلایل بروز آن بوده است.<sup>۱</sup> از مهم‌ترین علل یاد شده برای بیماری هلندی می‌توان به این موارد اشاره کرد:

- ارزش‌گذاری بیش از حد پول ملی،
- افزایش قابل توجه درآمد حاصل از فروش منابع طبیعی،
- کاهش سرمایه‌گذاری،
- نوسانات قیمت منابع طبیعی و نرخ ارز،
- رفتار رانت‌جویانه،
- احساس اطمینان اضافی،
- بی‌توجهی به سرمایه انسانی.

از نظر اقتصادی و جامعه‌شناسی سیاسی عنوان شده که برخی رژیمهای سیاسی به دلیل تأمین منابع درآمدی ماهیتاً رانتی هستند و تداوم وابستگی آنها به درآمد بدست آمده از محصولی خاص، موجب تغییرات قابل توجه در ساختارهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آنها می‌شود که در سایه آن، از نقطه نظر اقتصادی-برخلاف آنچه که به نظر می‌رسد- رشد درآمدهای دولت رانتی از جانب آن محصول خاص، کاهش نرخ رشد اقتصادی آن کشور را به دنبال دارد.<sup>۲</sup>

همان‌طور که مشاهده می‌شود این تعریف بهویژه بر انحصار یک رژیم سیاسی بر درآمدهای به دست آمده از منابع طبیعی تأکید دارد و عوارض حاصل از افزایش درآمدهای دولت از جانب آن منبع خاص را با عنوان بیماری هلندی سیاسی تحلیل می‌کند.<sup>۳</sup>

با توجه به تنوع تعاریف ارائه شده از بیماری هلندی، به نظر می‌رسد که ارائه تعریفی مستقل از ساختار اقتصادی کشور مورد بحث دشوار باشد و اصرار بر تعریفی جامع و مانع از بیماری هلندی نیز به نتایج تحلیلی گمراه کننده‌ای بیانجامد. بنابراین بررسی این پدیده در کشور ما نیز باید بر اساس ساختار اقتصادی کشور مورد نظر قرار گیرد. این درحالی است که از ویژگیهای مهم اقتصاد ایران، انحصار طولانی دولت بر درآمدهای به دست آمده از نفت و به طریق اولی تعیین نحوه جذب منابع حاصل از این درآمد توسط دولت است که شرایط مشابه دولت رانتی را برای کشور، رقم‌زده است.

۱. همان، صفحات ۱۵-۱۷.

2. Rick Lam and Leonard Wantchekon, *Political Dutch Disease*, November, 2002, P. 2  
[www.nyu.edu/gsas/dept/politics/faculty/wantchekon/research/dutch.pdf](http://www.nyu.edu/gsas/dept/politics/faculty/wantchekon/research/dutch.pdf)

۳. این دیدگاه اولین بار توسط دانشمندان علوم سیاسی در حوزه خاورمیانه مطرح شد. این دیدگاه عنوان می‌کند که علت بقاء بسیاری از رژیمهای سیاسی خودکامه در جهان سوم نظیر عراق ریشه در درآمدهای طبیعی دارد.

در توضیح تشابه دولت ایران با دولت رانتی باید اشاره کرد، از اوایل دهه ۱۳۴۰ شمسی با اهمیت یافتن عامل درآمد نفت در درآمدهای بودجه‌ای دولت، به نظر می‌رسد که دولت ایران رفته رفته به جرگه دولتهای رانتی پیوسته است. دولتهای رانتی دارای مشخصات واحدی هستند و به دولتهایی اطلاق می‌شوند که:<sup>۱</sup>

- قسمت بیشتر درآمد آنها از فروش موهاب طبیعی یا مالکیت منابع طبیعی (رانت) حاصل می‌شود.
- دسترسی به رانت، ارتباطی با سازوکارهای داخلی ندارد و بیشتر از طریق فروش این محصولات در بازارهای خارجی حاصل می‌شود.
- فقط درصد محدودی از نیروی کار فعال، مشغول تولید رانت هستند.
- دولت رانتی به تنها برای رانت را دریافت و آن را هزینه می‌کند.

با توجه به مطالب یادشده برای ارائه تعریف بیماری هلندی، متناسب با وضعیت کشور باید دو مسئله مهم مد نظر قرار گیرد. اول، به انحصار دولت بر منابع نفتی توجه شود. دوم، به نحوه حذب منابع حاصل از این درآمد در داخل و اولویتهای ملی کشور عنایت لازم صورت پذیرد. در ادامه پس از ارائه برخی مقدمات نظری، تعریفی از بیماری هلندی متناسب با ساختار اقتصادی کشور ارائه خواهد شد.

### ۳. تحلیل بیماری هلندی در الگوی تعادل حسابهای ملی

اگر پذیریم که شکل‌گیری تعادل در ساختار اقتصادی کلان هر کشوری نیازمند برابری تراوشت و تزریقات است، به یقین بود تعادل در بخشی از این تراوشت و تزریقات اگر از طریق بی‌تعادلی بخش دیگر جبران نشود، موجب عدم تعادل کل آن و اقتصاد کلان خواهد شد. در چنین فضایی اگر مفهوم بیماری هلندی، افزایش ناگهانی در درآمدهای ارزی حاصل از صادرات محصول خام تعریف شود که در فرآیند ورود این حجم بالای درآمد ارزی، امکان جذب کامل آن در بازار وجود ندارد، اولین نتیجه تزریق این درآمد حاصل از صادرات محصول خاص، شکل‌گیری بی‌تعادلی در اقتصاد کلان خواهد بود.

در این مورد اگر  $X$  ارزش کالاهای صادراتی  $M$  ارزش کالاهای وارداتی،  $G$  بودجه جاری و عمرانی دولت،  $T$  مالیات،  $S$  پس انداز ملی و  $I$  سرمایه‌گذاری تعریف شود، تعادل اقتصاد کلان منوط به آن است که:

---

۱. قدیر نصری، نفت و امنیت ملی، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۰، ص ۱۷۹.

## بررسی آثار درآمدهای نفتی بر اقتصاد ایران.... ۱۰۹

$$C+I+G+X=C+S+T+M$$

در نتیجه:

$$I+G+X=S+T+M$$

$$(I-S)+(G-T)+(X-M)=0$$

بروز بیماری هلندی با فروزنی یافتن ارزش محصول صادراتی آغاز می‌شود ( $X > M$ ).

بنابراین شرط برابری اتحاد ذکر شده ایجاب می‌کند تا توازن و تعادل اقتصاد از طریق افزایش  $M$

و یا تغییر در سایر اجزاء به گونه‌ای که ( $G < I$ ) یا ( $S > I$ ) باشد، برقرار شود.

به مفهوم دیگر بروز بیماری هلندی و افزایش شدید درآمدهای ارزی حاصل از صادرات موجب عدم تعادل در اقتصاد می‌شود که این پدیده یا باید از طریق ممانعت از تزریق ارز نفتی به اقتصاد<sup>۱</sup> مهار شود که با چنین شرایطی به طور طبیعی پس انداز ملی بر سرمایه‌گذاری فروزنی خواهد یافت. یا راههای دیگری نظری افزایش واردات یا کاهش مخارج دولت (مازاد بودجه) تجربه شوند.

بدیهی است که در صورت ممانعت از تزریق ارز در ابعاد یاد شده به اقتصاد یک کشور، موضوع بیماری هلندی به کلی متفاوت خواهد بود. این در حالی است که با افزایش درآمدهای ارزی حاصل از فروش محصولی خاص توسط دولت، فشارهای اقتصادی و سیاسی درون نظام اقتصادی برای بهره‌برداری از این منابع باد آورده افزایش می‌یابد. در این زمینه توجیهات گسترده‌ای از سوی نیروهای اقتصادی و سیاسی برای مصرف این منابع در داخل ارائه می‌شود و بیشتر دولتها نیز عموماً وسوسه می‌شوند که از طریق پاسخگویی به برخی از این درخواستها به پیروزی اقتصادی و سیاسی قابل توجهی دست یافته و موضع سیاسی خود را تقویت کنند. در حالی که سرمایه‌گذاری این منابع در خارج همواره در معرض نقد و تشکیک قرار دارد.

رویکرد کاهش مخارج دولت برای ایجاد تعادل در اصل به دلیل همسویی دو متغیر صادرات و مخارج دولت در دولتها رانتی - نظری ایران - موضوعیت ندارد. افزایش بیش از اندازه مالیاتها در مقایسه با مخارج دولت نیز در واقع به دلایل عدیده برای توسعه قابل توجه پایه‌های مالیاتی یا نرخهای مالیات طی زمانی کوتاه ناممکن است. به عبارت دیگر ارز تزریق شده

۱. این رویکرد عملاً یکی از اهداف ماده ۶۰ قانون برنامه سوم توسعه کشور بود.

به اقتصاد، به دلیل ضعف ساختارهای مالیاتی، کشن ناپذیری مالیات و تنگناهای متعدد در جذب مالیات بهویژه در کشورهای در حال توسعه ممکن نیست.<sup>۱</sup>

در نتیجه ساده‌ترین راه ممکن برای برقراری تعادل در چنین فضایی افزایش واردات است که به صورت ترکیبی از گزینه‌های یاد شده با محوریت واردات توسط دولتها دنبال می‌شود و همان طور که در برخی تعاریف گفته شد رشد قابل توجه واردات به عنوان یکی از شاخصهای بروز این بیماری مورد توجه واقع می‌شود.

به بیان دیگر اگر اختلاف در آمد ملی و مصرف ملی یک کشور را به عنوان قدرت جذب تعریف کنیم، قدرت جذب محدود یک کشور می‌تواند عاملی برای گسترش واردات با چنین شرایطی ارزیابی شود. روشن است که این واردات می‌تواند با رویکرد گسترش سرمایه‌گذاری دولتی در اقتصاد دنبال شود، اما چنین شرایطی با ناکارآمدی سرمایه‌گذاریهای انجام شده و گسترش سهم دولت از اقتصاد ملی همراه است. به همین علت در بیشتر کشورها از روش‌های مشابهی نظیر آنچه در ایران عنوان شده - یعنی تشکیل حساب ذخیره ارزی برای وامدهی به بخش غیردولتی - بهره گرفته شده است.<sup>۲</sup>

با عنایت به عرضه قابل توجه کالاهای قابل مبادله از طریق واردات، به طور طبیعی قیمت کالاهای غیرقابل مبادله در مقایسه با کالاهای قابل مبادله افزایش خواهد یافت و همین امر بر تنور سفته بازی کالاهای غیرقابل مبادله خواهد دمید و در نتیجه پس‌اندازهای اندوخته شده دولتی و خصوصی به سوی بازارهای مطمئن و کم ریسک داخلی یعنی کالاهای غیرقابل مبادله سوق خواهند یافت که نمونه بارز آن را در بازارهای زمین و مسکن می‌توان شاهد بود. نتیجه عینی چنین پدیده‌ای در بازار زمین و مسکن (که محدودیتهای تولید و نبود امکان تأمین آن از خارج وجود دارد و بهویژه در کشوری مانند ایران از نبود امکان کنترل آن توسط دولت به دلیل سهم بسیار پایین دولت از بخش مسکن رنج می‌برد) تورم شدید بهویژه در ابتدای فرآیند رشد قیمت محصول صادراتی خواهد بود.

۱. همچنین باید اذعان کرد که برخلاف کشورهایی نظیر هلند، گذرگاه ورود درآمدهای ارزی به درون نظام اقتصادی اغلب کشورهای در حال توسعه، دولت است. در نتیجه رشد درآمدهای ارزی حاصل از فروش محصول خام بدون هیچ تأثیر خود را در افزایش بودجه دولت نشان خواهد داد که عدم تعادل در این شرایط به تناوب تشدید می‌شود.

۲. بخش دیگری از ماده ۶۰ قانون برنامه سوم ناظر بر تأمین مالی بخش خصوصی از محل بخشی از منابع حساب ذخیره ارزی بوده است.

در دوره بعد افزایش ثروت حاصل از افزایش قیمت کالاهای غیرقابل مبادله، افزایش مصرف و رشد تقاضاهای مصرفی را به دنبال دارد که از طریق واردات محصولات قابل مبادله تأمین می شود.

به طور حتم عدم تعادلهای اقتصادی در فضای تعادل کلان که در مبحث تزریقات و تراوشنات اشاره شد، در صورتی به سمت تعادل سوق خواهد یافت که شاخصهای تعدیل در این فضا کارکردهای مناسب داشته و وظیفه اصلی خود را به درستی انجام دهنده. بنابراین در صورتی می توان بازگشت سریع تعادل به اقتصاد کلان را انتظار داشت که نرخهای بهره و نرخهای برابری پول ملی در برابر ارز خارجی به طور خودکار این تعادل را در بازار پول ایجاد کنند. میزان انعطاف پذیری نرخهای بهره و نیز اثربخشی پول ملی در برابر ارز خارجی می تواند پایداری یا ناپایداری آثار مترتب بر بیماری هلندي را در ساختار اقتصادی یک کشور معین کند. در این رابطه چهار حالت ممکن از بازخورد راهبردهای مرتبط با نرخهای بهره ثابت یا منعطف در کنار نظامهای ارزی ثابت یا شناور قابل انتظار است.

#### ۴. رویکردی نظری به آثار بیماری هلندي در ساختارهای اقتصادی مختلف

۱-۴. نظام نرخهای ارز ثابت در کنار نرخهای بهره غیرمنعطف در این گزینه منبع اصلی تغییرات در عرضه پول از ذخایر ارزی خواهد بود. دولت برای تأمین مصارف بودجه خود با فروش ارز به بانک مرکزی، به رشد عرضه پول دامن می زند. افزایش داراییهای خارجی بانک مرکزی، رشد پایه پولی و افزایش حجم عرضه پول را به دنبال خواهد داشت و این در حالی است که بانک مرکزی به دلیل کنترل دستوری نرخهای بهره، از امکانات محدودی برای کنترل نرخ رشد عرضه پول از طریق تغییر نرخهای بهره برخوردار است. قدرت انقباض پولی محدود سیستم به تشديد فرآیندهای تورمی خواهد انجامید و در شرایطی که نرخ ارز ثابت باشد این امر تقویت پول ملی و رشد واردات را در پی خواهد داشت. به علاوه در چنین نظامی ارزش گذاری نادقيق نرخ برابری پول ملی در برابر ارزهای خارجی، حاشیه سود مطمئنی را برای شکلگیری پدیده آربیتاری فراهم می کند که خود می تواند به رونق بورس بازی در بازار کالاهای قابل مبادله، بی ثباتی بازار مالی و افزایش دامنه نوسانات نرخ تورم بیانجامد.

در حقیقت کنترل محدود مقام پولی بر رشد عرضه پول، ارزش گذاری ناصحیح نرخهای ارز و روند ورود و خروج جریانات کوتاه مدت سرمایه به چنین کشورهایی - به دلیل نرخهای ارز و بهره ثابت - شکلگیری تورم پولی با دامنه نوسانات زیاد را محقق می کند. این پدیده در

کشورهایی مانند ایران امکان حفظ ثبات نرخ ارز و تقویت قابل توجه پول ملی را در یک افق بلندمدت محدود می‌کند. با این حال در کوتاه‌مدت رشد واردات قابل توجه بوده و همین امر افزایش عرضه محصولات قابل مبادله را در پی خواهد داشت که بر رشد قیمت محصولات غیرقابل مبادله بیش از پیش اثر می‌گذارد. نتیجه چنین پیامدی رکود صنایع غیرمدرن به دلیل واردات بی‌رویه و رکود تورمی در بخش غیرقابل مبادله به جهت افزایش قابل توجه قیمت آن از یکسو و کاهش تقاضای واقعی حاصل از فزونی قیمت از سوی دیگر است.

#### ۲-۴. نرخهای ارز شناور- نرخهای بهره غیرمنعطف

در شرایط وجود نرخهای ارز شناور و نرخهای بهره غیرمنعطف، می‌توان انتظار داشت که ورود ذخایر ارزی به چنین کشوری در بازار داخلی از طریق افزایش قدرت پول ملی یا کاهش نرخ ارز تخلیه شود. در چنین شرایطی تأمین منابع بودجه دولت با فروش ارز در بازار داخلی نامطمئن خواهد بود و افزایش قدرت پول ملی، رشد واردات محصولات قابل مبادله را فزونی می‌بخشد. بنابراین می‌توان پیش‌بینی کرد که به دلیل رشد فزاینده واردات، سطح قیمت‌ها در بخش کالاهای قابل مبادله در مقایسه با کالاهای غیرقابل مبادله با شدت بیشتری نسبت به حالت قبل کاهش یابد. در مقابل، صادرات کشور به دلیل تقویت پول ملی کاهش بیشتری یافته و صنایع داخلی به ویژه صنایع غیرمدرن و اغلب کوچک تحت فشار بیشتری قرار می‌گیرند.

در این زمینه ثبات نرخهای بهره و تقویت پول ملی موجب می‌شود که جریان ورودی سرمایه کوتاه‌مدت خارجی برای سرمایه‌گذاریهای پر سود و کوتاه‌مدت تقویت شود و انعکاس آن در بخش‌های غیرقابل مبادله هم تشید خواهد شد (آریترائز نرخ بهره). از این نظر احتمال بروز کاهش فعالیت در بخش‌های غیرمدرن که بیشتر معطوف به بخش غیررسمی اقتصاد و صنایع کوچکتر هستند، فزاینده خواهد بود. همچنین افزایش قیمت در بخش‌های غیرقابل مبادله تشید خواهد شد. علاوه بر اینکه بازار ارز (جدای آثار روانی به بازار) در شرایط نبود سازوکارهای کنترل جریانهای کوتاه‌مدت سرمایه، از ناحیه شوکهای خارجی با نوسانات بیشتری روبرو خواهد شد. این شرایط می‌تواند مخاطرات حاصل از سفتۀ بازی ارز را تأم با فشار بر رشد بخش خدمات به دنبال داشته باشد.<sup>۱</sup>

۱. اختر حسین و دانیس جودری، سیاستهای پولی و مالی در کشورهای در حال توسعه، رشد و ثبات، ترجمه محمد آسیابی و مسعود باباخانی تهران، پژوهشکده امور اقتصاد ملی، ۱۳۸۲.

#### ۳-۴. نرخهای ارز ثابت - نرخهای بهره منعطف

هر چند ترکیب این دو رویکرد در یک اقتصاد دور از ذهن است، با این حال در نظامی که نرخهای ارز غیرمنعطف و نرخهای بهره منعطف وجود دارد و دولت برای تأمین نیازهای هزینه‌ای خود ارز حاصل از صادرات را از طریق بانک مرکزی به پول ملی تبدیل و مقدمات رشد عرضه پول را فراهم می‌کند، می‌توان تصور کرد که رشد عرضه پول قابل ملاحظه باشد. از سوی دیگر انعطاف‌پذیری نرخهای بهره در این شرایط امکان تعديل از طریق نرخ بهره را فراهم می‌کند و امکان تغییرات سرمایه‌گذاری در مقابل نرخ بهره را افزایش خواهد داد و احتمال دارد با افزایش سرمایه‌گذاری داخلی و کاهش سرمایه‌گذاری خارجی همراه باشد. در نتیجه می‌توان پیش‌بینی کرد با رشد عرضه پول از یک سو به فرآور ساختار عرضه، نرخ تورم افزایش یابد. با چنین شرایطی با توجه به ثبات نرخ ارز، ارزش پول ملی تقویت شده، واردات ارزان شده و روند واردات تشدید می‌شود. این امر ارزان‌تر شدن قیمت کالاهای قابل مبادله را در مقایسه با کالاهای غیرقابل مبادله در داخل در پی خواهد داشت. کاهش نرخ بهره همچنین افزایش مصرف کالاهای مصرفی با دوام در جامعه را به دنبال دارد که رشد واردات کالاهای قابل مبادله را در این مسیر تسهیل می‌کند.

#### ۴-۴. نرخ ارز شناور - نرخهای بهره منعطف

در چنین شرایطی جریان درآمدهای ارزی به کشور با شدیدترین میزان ممکن بر متغیرهای اقتصادی منعکس خواهد شد، هر چند سرعت تعديل این متغیرها در اقتصاد بسیار کوتاه‌تر از سناریوهای قبل است. آثار کوتاه‌مدت بیماری هلندی بر اقتصاد چنین کشورهایی نیز رشد واردات و افزایش قیمت کالاهای غیرقابل مبادله و کاهش نسبت کالاهای قابل مبادله خواهد بود. سازوکار چنین سیستمی با توجه به موارد مطرح شده در سه گزینه اشاره شده پیش واضح و روشن به‌نظر می‌رسد.

همان طور که مشاهده می‌شود صرف نظر از نظام پولی و ارزی، واردات بی‌رویه و تورم عینی‌ترین پیامدهای تزریق ارز از جانب بودجه دولت در چنین اقتصادهایی است که می‌تواند تحت تأثیر عوامل دیگری نیز به‌موقع بیوندند. در حالی که سایر آثار و پیامدها می‌توانند براساس ساختار بازار مالی، نظام پولی و ارزی و بهویژه کشش‌پذیری طرف عرضه در اقتصاد تأثیرگذار باشند. به علاوه هرچه سطح انعطاف‌پذیری نرخهای ارز و بهره افزایش یابند تعادلها سریع‌تر و انتظار تأثیرات آن بر متغیرهای اقتصادی شدیدتر خواهد بود.

## جدول شماره ۱. آثار بیماری هلندی در سناریوهای متفاوت نرخ ارز و نرخ بهره

منعطف	ثابت	نرخ بهره
		ارز
- پدیده آربیتراژ بهره به صورت ضعیف - رشد واردات - انتظار تورم براساس ساختار عرضه تولیدات داخلی و کالاهای غیرقابل مبادله - تغییر سبد سرمایه‌گذاری با افزایش سهم سرمایه‌گذاری داخلی	- رشد عرضه پول - بروز پدیده آربیتراژ نرخ بهره به شکل شدید - رشد واردات - رکود صنایع غیرمدرن و رونق صنایع مدرن - رکود تورمی در بخش غیرقابل مبادله	
		- افزایش قدرت پول ملی - رشد قابل توجه واردات - کاهش قابل توجه صادرات به دلیل تقویت پول مالی
- تعادل سریع در اقتصاد با توجه به ساختارهای اقتصادی - انعکاس شدید آثار تزریق ارز در اقتصاد بر متغیرهای واردات، جریانات سرمایه کوتاه‌مدت نرخ ارز، تورم در کوتاه‌مدت	- بروز پدیده آربیتراژ بهره - بی‌ثباتی در نرخ ارز - فرار سرمایه از بخش‌های مولد به بخش‌های غیرمول - رکود صنایع غیرمدرن و رونق صنایع مدرن - تورم رکودی در بخش غیرقابل مبادله	شناور

همچنین پیش‌بینی می‌شود که واردات بسیاری از طریق افزایش آسیب‌پذیری صنایع غیرمدرن، تولید ملی را تحت الشاعع خود قرار دهد. میزان تأثیر سوء چنین روندی بر تولید ملی و صادرات با توجه به سطح حمایتهای تجاری در این کشورها و توانایی رقابت‌پذیری صنایع داخلی در صحنه بین‌الملل متفاوت خواهد بود. با وجود این تا آنجا که به نسبت قیمت کالاهای قابل مبادله و غیرقابل مبادله در چنین کشورهایی مربوط می‌شود، عوامل متعدد و غیر هم جهتی دست‌اندرکارند تا نسبت آن را برهم زنند. واردات به افزایش قیمت کالاهای غیرقابل مبادله در مقابل کالاهای قابل مبادله تمایل نشان می‌دهد، در حالی که مواردی نظیر آربیتراژ بهره و تغییر تقاضای سرمایه‌گذاری می‌توانند هم جهت یا در خلاف جهت آن عمل کنند، بنابراین آنچه می‌تواند یک کشور دارای بیماری هلندی را از یک کشور عاری از آن متمایز کند همزمانی دو پدیده رشد درآمدهای حاصل از محصولی خاص در اقتصاد و تغییر معنادار نسبت قیمت کالاهای قابل مبادله و غیرقابل مبادله خواهد بود.

##### ۵. بررسی روند برخی از شاخصهای بیماری هلندی

برای آزمون فرضیه وقوع بیماری هلندی-در اقتصاد ایران-در سالهای رونق درآمدهای نفتی، اولین گام استخراج برخی از شاخصهای تبیین کننده این بیماری و مقایسه روند آنها با درآمد نفت است.

همان‌گونه که اشاره شد، براساس ملاحظات نظری، در شرایط بروز بیماری هلندی پیش‌بینی می‌شود رونق صادرات مواد اولیه موجب افزایش ناگهانی درآمدهای ارزی کشور شود و در اثر افزایش قیمت نسبی کالاهای غیرقابل مبادله در مقایسه با قیمت کالاهای قابل مبادله، ساختار اقتصادی و الگوی رفتاری دولت در مورد چگونگی جذب و تعدیل این درآمدها در داخل و خارج کشور تغییر کند. حتی شواهد نشان می‌دهد که در صورت تداوم این روند الگوی توسعه‌ای که توسط دولت تعقیب می‌شود با تغییرات قابل ملاحظه‌ای رو برو می‌شود. این تغییرات به صورت تضعیف بخشهای تولید کننده کالاهای قابل مبادله (عموماً در حوزه بخشهای کشاورزی و صنعت) و توسعه و گسترش بخشهای غیرقابل مبادله (عموماً ساختمان و خدمات) خود را نشان می‌دهد. یک چنین رشد نامتوازن و تغییرات ساختاری "بیماری هلندی" نامیده می‌شود.<sup>۱</sup>

##### ۱-۵. بررسی روند درآمدهای نفتی با نسبت شاخص قیمت کالاهای قابل مبادله به کالاهای غیرقابل مبادله

بیماری هلندی با جهش درآمدهای ارزی حاصل از بروز رونق در یک بخش تولید کننده کالاهای صادراتی (عمولاً مواد معدنی مانند نفت و گاز) آغاز می‌شود و افزایش درآمدهای ارزی باعث افزایش درآمد ملی و به نوبه خود افزایش تقاضا هم برای کالاهای قابل مبادله و هم غیرقابل مبادله می‌شود. با توجه به کم کشش بودن عرضه داخلی - در کوتاه مدت - دولتها عموماً برای پر کردن شکاف عرضه و تقاضا و کنترل تورم، اقدام به واردات می‌کنند. روشن است که این اقدام فقط کالاهایی را در بر می‌گیرد که از توانایی مبادله بین‌المللی برخوردارند، این در حالی است که کالاهای غیرقابل مبادله نظیر راه، ساختمان و نظایر آن در حد عرضه داخلی باقی می‌مانند. از این‌رو در حالی که قیمت کالاهای قابل مبادله - با افزایش عرضه از طریق واردات - تقریباً در حد قبلی تثیت می‌شود، قیمت کالاهای غیرقابل مبادله به دلیل فشار تقاضا افزایش می‌یابد. به این ترتیب، از طریق موارد یادشده قیمت نسبی کالاهای غیرقابل مبادله نسبت به کالاهای قابل مبادله افزایش خواهد یافت.

۱. ناصر یدا...زاده طبری، "درآمدهای نفتی و بیماری هلندی"، مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی، خرداد و تیر ۱۳۷۹، ص ۲۰۶.

بررسی شاخص یادشده، نیاز به تعریف و شناسایی بخش‌های غیرقابل مبادله و قابل مبادله دارد. تعریف این دو بخش در کشورهای در حال توسعه مانند برخی از کشورهای توسعه یافته تا حدودی دشوار است. به طور کلی باید گفت هیچ دلیل ذاتی در مورد این کالاهای خدمات وجود ندارد که آنها را به صورت غیرقابل مبادله درآورده، بلکه کالاهای غیرقابل مبادله آن دسته کالاهای هستند که به دلیل حجم زیاد و ارزش پایین که مانع سودآوری تجارت آنهاست، یا به دلیل حمایتهاي دولت (تعرفه یا سهمیه واردات) و کنترل قیمت‌های داخلی وارد عرصه تجارت جهانی نمی‌شوند. از این‌رو، براساس گفته وان وین برگن<sup>۱</sup>، بخش تولید کالاهای ساخته شده کارخانه‌ای (در بسیاری از کشورها) از طریق برقراری سیستم سهمیه‌ها حمایت می‌شود، به طوری که محصولات این بخشها حالت نیمه مبادله‌ای دارد. از این‌رو افزایش درآمدات نفتی از طریق اثر افزایش تقاضا، سبب ترقی قیمت نسیبی بخش کالای ساخته شده کارخانه‌ای داخلی می‌شود و این بخش را مانند بخش تولید کننده کالاهای غیرقابل مبادله، توسعه می‌دهد. یکی از دلایل تضعیف نشدن مطلق بخش صنعت در کشورهای در حال توسعه (نظیر ایران) پس از رونق، همین عامل (حمایت) بوده است.<sup>۲</sup>

ملحوظات دیگری نیز در مورد تقسیم‌بندی کالاهای به قابل مبادله و غیرقابل مبادله وجود دارد. در این تحقیق به دلیل محدودیتهاي آماری از شاخص قیمت کالاهای بخش کشاورزی به عنوان شاخص قیمت کالاهای قابل مبادله و از شاخص قیمت بخش‌های ساختمان و خدمات به عنوان شاخص قیمت کالاهای غیرقابل مبادله استفاده شده است.<sup>۳</sup>

برای تحصیل شاخص بیماری هلندی<sup>۴</sup> (DDI)، شاخص کالاهای قابل مبادله بر شاخص کالاهای غیرقابل مبادله تقسیم شده است، افزایش DDI معرف افزایش قیمت کالاهای قابل مبادله نسبت به کالاهای غیرقابل مبادله است و کاهش DDI نشان‌دهنده افزایش نسبی کالاهای غیرقابل مبادله در مقایسه با کالاهای قابل مبادله است.

مطابق مباحث نظری مطرح شده پیش‌بینی می‌شود در شرایط بیماری هلندی، حجم واردات کالاهای به کشور افزایش یافته و رشد قیمت‌ها در بخش غیرقابل مبادله – به دلیل محدودیتهاي تولید- افزایش

#### 1. Van Wignbergen

۲. همان ص ۲۱۰.

۳. برخی از زیربخش‌های بخش خدمات قابل مبادله هستند، در حالی که برخی کالاهای در بخش کشاورزی کالاهای غیرقابل مبادله هستند. بدیهی است که تفکیک دقیق دو نوع کالا نیاز به مطالعات گسترده‌تری دارد. منتها فرض آن است که در بخش کشاورزی بیشتر با کالاهای قابل مبادله روپرتو باشم و در بخش خدمات کالاهای غیرقابل مبادله وزن بیشتری داشته باشند.

#### 4. Dutch Disease Index

## بررسی آثار درآمدهای نفتی بر اقتصاد ایران... ۱۱۲

یابد با چنین شرایطی می‌بایست DDI کاهش یابد، در حالی که در شرایط عادی DDI نوسان

کمتری داشته باشد. همچنین برای سهولت تحلیل می‌توان از عکس شاخص یادشده ( $\frac{1}{DDI}$ )،

برای تحلیل آثار بیماری هلندی در بخش غیرقابل مبادله اقتصاد استفاده کرد.

در این راستا بررسی روند شاخص قیمت کالاهای غیرقابل مبادله به شاخص قیمت کالاهای قابل مبادله طی سالهای ۱۳۸۳-۱۳۳۸ ییان کننده آن است که طی سالهای ۱۳۶۲-۱۳۳۸ با وجود افزایش شدید درآمدهای نفتی طی سالهای ۱۳۵۳ و ۱۳۵۶، شاخص یادشده دارای تغییرات ملایمی بوده است. در واقع طی سالهای پیش از انقلاب، با توجه به سیاست دولت مبنی بر جذب فوری و نه تدریجی درآمدهای نفتی در داخل کشور به همراه افزایش سریع اعتبارات نظام بانکی، تقاضای کل به شدت افزایش یافته است. افزایش تقاضای داخلی به معنی افزایش تقاضا هم برای کالاهای قابل مبادله و هم برای کالاهای غیرقابل مبادله بوده است. تقاضا برای کالاهای قابل مبادله از طریق افزایش سریع واردات پاسخ داده شده است، به‌طوری که طی سالهای سالیانه ۴۳/۱ درصد رشد داشته است. با این حال افزایش سریع واردات تا حدودی در تخفیف فشارهای تورمی کالاهای قابل مبادله مؤثر بوده است، ولی موجب تشید تنگناهای زیربنایی در زمینه تخلیه، انبارداری، ترجیح کالا، حمل و نقل و توزیع کالاهای وارداتی شد و از این طریق، افزایش قیمت کالاهای قابل مبادله را در پی داشت.

در همین دوره فشارهای تورمی حاصل از افزایش تقاضا، نبود تعادلهای اصلی در سطوح مختلف اقتصاد کشور به وجود آورد که فقط به افزایش درآمدهای نفتی معطوف نبود. در میان بخش‌های مختلف، بخش مسکن و ساختمان به‌دلیل افزایش سریع درآمدها و تشید روند مهاجرت به شهرها با بی‌تعادلی شدیدتری روبرو شد و در نتیجه موجب ترقی بهای زمین، مصالح ساختمانی و دستمزد کارگران ساختمانی شد.

**جدول شماره ۲. مقایسه درآمد نفت و شاخص قیمت کالاهای غیرقابل مبادله به کالاهای قابل مبادله**

سال	درآمد نفت (میلیون دلار)	۱/DDI
۱۳۳۸	۳۳۵/۵	۰/۵۸
۱۳۳۹	۳۵۸/۷	۰/۴۴۹۵
۱۳۴۰	۳۹۰/۱	۰/۴۲۹۸
۱۳۴۱	۴۳۷/۲	۰/۴۲۳۶
۱۳۴۲	۴۷۰/۸	۰/۵۷۳۵
۱۳۴۳	۵۵۵/۴	۰/۵۳۸۳
۱۳۴۴	۶۰۷/۵	۰/۵۴۸۳
۱۳۴۵	۷۱۵/۸	۰/۵۵۲۲
۱۳۴۶	۸۴۷/۹	۰/۵۵۵۲
۱۳۴۷	۹۵۸/۵	۰/۵۱۹۴
۱۳۴۸	۱۰۹۹	۰/۴۹۰۷
۱۳۴۹	۱۲۶۸/۴	۰/۴۶۸۵
۱۳۵۰	۲۱۱۴/۱	۰/۵۲۴۳
۱۳۵۱	۲۵۲۶	۰/۴۸۳
۱۳۵۲	۸۳۱۸	۰/۵۶۳۲
۱۳۵۳	۲۱۰۱۴	۰/۴۶۴۷
۱۳۵۴	۲۰۰۳۴	۰/۴۹۹۹
۱۳۵۵	۲۴۱۷۹	۰/۵۲۹۹
۱۳۵۶	۲۳۴۵۱	۰/۶۶۹۲
۱۳۵۷	۱۸۱۱۵/۷	۰/۶۲۸۱
۱۳۵۸	۱۹۳۸۶/۲	۰/۶۱۶۴
۱۳۵۹	۱۱۶۴۸	۰/۶۲۴۶
۱۳۶۰	۱۲۴۵۵	۰/۵۹۱۲
۱۳۶۱	۲۰۰۴۹/۸	۰/۵۶۸
۱۳۶۲	۲۰۴۵۶/۸	۰/۶۰۵۹
۱۳۶۳	۱۶۶۶۳/۲	۰/۶۹۴۳
۱۳۶۴	۱۳۹۶۷/۷	۰/۷۴۸۴
۱۳۶۵	۵۹۸۲/۳	۰/۷۹۷۲
۱۳۶۶	۹۱۸۹/۲	۰/۷۸۹۱
۱۳۶۷	۷۵۹۹	۰/۸۹۹۲
۱۳۶۸	۱۱۹۹۳/۲	۰/۸۵۶

بررسی آثار درآمدهای نفتی بر اقتصاد ایران.... ۱۱۹

۱۵۰ جدول شماره ۲

سال	درآمد نفت (میلیون دلار)	۱/DDI
۱۳۶۹	۱۷۹۹۳	۰/۹۱۷۱
۱۳۷۰	۱۶۰۱۲	۰/۹۲۱۷
۱۳۷۱	۱۶۸۸۰	۰/۹۰۳۲
۱۳۷۲	۱۴۳۳۳	۰/۹۷۱۸
۱۳۷۳	۱۳۰۴۶	۰/۹۰۵۴
۱۳۷۴	۱۴۰۳۶	۰/۸۳۸۷
۱۳۷۵	۱۷۰۸۷	۰/۹۲۴۷
۱۳۷۶	۱۲۳۷۰	۱
۱۳۷۷	۷۱۸۳	۰/۰۱۵
۱۳۷۸	۱۳۴۹۴	۰/۰۱۶۲
۱۳۷۹	۲۰۶۰۷	۱/۰۴۳۹
۱۳۸۰	۱۶۷۵۴	۱/۰۹۳۷
۱۳۸۱	۲۲۸۰۷	۱/۲۰۴۲
۱۳۸۲	۲۴۱۲۱/۷	۱/۲۷۸
۱۳۸۳	۳۶۸۲۷	۱/۳۶۹۳

ضریب همبستگی: ۰/۵۹۸۶

**نمودار ۱. مقایسه درآمد نفت و شاخص قیمت کالاهای غیرقابل مبادله به کالاهای قابل مبادله**



مأخذ: ترازنامه بانک مرکزی

به طور خلاصه طی سالهای پیش از انقلاب با وجود افزایش شدید درآمدهای حاصل از صدور نفت خام، به دلیل افزایش قیمت در هر دو بخش کالاهای قابل مبادله و کالاهای غیرقابل مبادله، شاخص قیمتهای نسبی روند ملایمی را طی کرد. لازم به یادآوری است که این امر را نمی‌توان ناظر بر ردّ یا قبول فرضیه وجود بیماری هلنی طی این سالها دانست، زیرا به رغم رشد واردات، به دلیل محدودیت زیربنه‌ها اعم از بندر، راه، انبار، حمل و نقل و نظایر آنها، همچنین تورم جهانی در بخش کالاهای قابل مبادله نیز افزایش چشمگیری داشته است. در عین حال، رشد سریع قیمت‌ها در بخش مسکن و ساختمان طی این سالها نیز به شدت از روند توسعه شهرنشینی و مهاجرت

## بررسی آثار درآمدهای نفتی بر اقتصاد ایران... ۱۲۱

از روستا به شهر، ارتقای الگوی مصرف و نظایر آن متاثر شده است و برآیند این نیروها در نهایت به روند خلاف نظریه متغیر نسبت کالاهای غیر قابل مبادله به قابل مبادله در برخی سالها - بر اساس شاخص معرفی شده - انجامیده است.

بررسی روند تغییر درآمدهای نفتی و شاخص قیمت کالاهای غیرقابل مبادله به قابل مبادله طی سالهای پس از انقلاب، در مجموع افزایش ملایم این شاخص را نشان می‌دهد که در سالهای اخیر دارای رشد سریع تری نیز بوده است.

به بیان دیگر افزایش درآمدهای ارزی حاصل از صدور نفت خام و تزریق آن به اقتصاد کشور موجب افزایش شدیدتر قیمتها در کالاهای غیرقابل مبادله (ساختمان و مسکن) طی این سالها شده است و این مسئله را می‌توان به عنوان یکی از علائم بروز بیماری هلندی طی سالهای مورد بحث قرار داد.

در نگاهی دقیق‌تر به آمارها طی سالهای پس از انقلاب در حقیقت سال ۱۳۶۲ را می‌توان

نقطه آغازین حرکت شاخص  $\frac{1}{DDI}$  در اقتصاد کشور دانست. به گونه‌ای که با رشد فراینده درآمدهای ارزی حاصل از صدور نفت خام حرکت افزایش شاخص آغاز شده و به رغم کاهش در درآمدهای ارزی حاصل از نفت و وجود هزینه‌های سنگین جنگ و بازسازی بهویژه در سالهای ۱۳۶۶ و ۱۳۶۸ باز هم شاهد رشد فراینده قیمت کالاهای غیرقابل مبادله در کشور هستیم. این روند با کاهش درآمدهای نفت در سال ۱۳۷۵ روندی نزولی یافته است، ولی به احتمال زیاد می‌توان گفت افزایش درآمدهای نفت بهویژه در سالهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی در افزایش این شاخص نقش داشته است، علاوه بر اینکه اجرای سیاستهای تعدیل ساختاری و دریافت وام از بانک جهانی می‌تواند توجیه کننده افزایش این شاخص در اوایل دهه ۷۰ به رغم کاهش درآمدهای نفتی باشد.

**۵-۲. سهم ارزش افزوده بخش‌های اقتصادی در تولید ناخالص داخلی بدون نفت**  
براساس الگوی کلاسیک بیماری هلندی، پیش‌بینی می‌شود که با افزایش ناگهانی درآمدهای ارزی کشور، در اثر افزایش قیمت نسبی کالاهای غیرقابل مبادله در مقایسه با کالاهای قابل مبادله، تغییرات ساختاری در اقتصاد کشور به صورت تضعیف بخش‌های تولید کننده کالاهای قابل مبادله

## ۱۲۲ فصلنامه پژوهشها و سیاستهای اقتصادی شماره‌های ۳۹ و ۴۰

(کشاورزی و صنعت) و توسعه و گسترش بخش‌های غیرقابل مبادله (خدمات و ساختمان) پدیدار شود.<sup>۱</sup>

مطالعات تجربی در مورد بیشتر کشورهای در حال توسعه صادر کننده نفت، برخلاف مدل اصلی بیماری هلندی، نشان‌دهنده آن است که بخش صنعت در دهه ۱۹۷۰ رشد یافته و از سوی دیگر بخش کشاورزی در این کشورها تضعیف شده است. در همین راستا فردمنش<sup>۲</sup> با وارد کردن اثر قیمت جهانی نفت بر مدل کلاسیک بیماری هلندی، الگویی را برای کشورهای در حال توسعه صادر کننده نفت ارائه و پیش‌بینی کرده است که پس از افزایش درآمدهای نفتی، این کشورها دچار پدیده ضد کشاورزی شده‌اند.

آنچه در کشور ما می‌توان پیش از هرگونه بررسی آماری بیان داشت این است که ارتباط پیشین و پسین بخش نفت با سایر بخش‌های اقتصادی بسیار محدود است، همچنین این بخش، نقش مهمی در تأمین درآمدهای ارزی دارد و عملکرد آن در بازارهای جهانی تعیین می‌شود در حالی که نحوه عملکرد بخش کشاورزی و صنعت به عوامل داخلی بستگی دارد.

به عبارت دیگر، نقش اساسی صنعت نفت در اقتصاد ایران همواره نقش مالی بوده و تنها کار کرد اساسی آن تأمین ارز موردنیاز بخشها بوده است. دستگاههای عظیم برای اکتشاف و استخراج و صدور نفت خام به وجود آمده تا فقط به کسب درآمد ارزی برای دولت پردازد، بی‌آنکه پیوند لازم را با سایر بخش‌های اقتصادی ایران برقرار کند، به طوری که آثار پیوستگی مستقیم اعم از آثار پیشین و پسین این صنعت با سایر بخش‌های اقتصادی نظری صنعت و کشاورزی در حد بسیار ناچیزی باقی مانده است.<sup>۳</sup> بنابراین در بررسی آماری سهم ارزش افزوده بخشها از تولید ناخالص داخلی نه تنها توجه به مباحث یادشده ضروری است بلکه نکات دیگری باید مورد توجه قرار گیرد. در این رابطه می‌توان به این دو مورد اشاره کرد:

نخست، سهم ارزش افزوده بخش کشاورزی از تولید ناخالص داخلی بیش از آنکه تحت تأثیر افت و خیزهای درآمد نفت باشد، متأثر از میزان بارندگی و شرایط اقلیمی و نظایر آن است، دوم، در مسیر توسعه اقتصادی - جدا از تزریق درآمد نفت یا افزایش آن - سهم بخش خدمات از تولید ناخالص داخلی افزایش خواهد یافت.

۱. همان

۲. محسن فردمنش، تأثیر درآمدهای نفتی بر اقتصاد ایران، مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۰، ص ۱۰۹.

۳. احمد شهشهانی، الگوی اقتصادسنجی و کاربردهای آن، تهران، مؤسسه توسعه و تحقیقات اقتصادی دانشگاه تهران، ۱۳۵۷، ص ۲۷.

## بررسی آثار درآمدهای نفتی بر اقتصاد ایران.... ۱۲۳

بنابراین تنها متغیری که در این بخش می‌تواند نشان‌دهنده وقوع بیماری هلندی در اقتصاد باشد، سهم بخش صنعت از تولید ناخالص داخلی است. به بیان دیگر پیش‌بینی می‌شود در صورت وجود بیماری هلندی با افزایش درآمدهای نفتی، سهم بخش صنعت در تولید ناخالص داخلی کاهش یابد و بیماری هلندی پدیده "ضد صنعتی" را به همراه داشته باشد.

در کل دوره مورد بررسی (۱۳۸۳-۱۳۳۸) ضریب همبستگی بین درآمدهای نفتی و سهم بخش صنایع و معادن از تولید ناخالص داخلی، مثبت ولی بسیار کم بوده است. (جدول شماره ۳)

**جدول شماره ۳. مقایسه سهم بخش صنایع و معادن از GDP (ثابت)  
با رشد درآمدهای نفتی**

سال	رشد درآمدهای نفتی	سهم بخش صنایع و معادن از GDP (ثابت)
۱۳۳۸	-	۷/۲۲
۱۳۳۹	۶/۹۲	۷/۲۱
۱۳۴۰	۸/۷۵	۸/۰۲
۱۳۴۱	۱۲/۰۷	۸/۰۸
۱۳۴۲	۷/۶۹	۸/۷۶
۱۳۴۳	۱۷/۹۷	۸/۳۷
۱۳۴۴	۹/۳۸	۸/۹۹
۱۳۴۵	۱۷/۸۳	۸/۷۳
۱۳۴۶	۱۸/۴۵	۸/۹۴
۱۳۴۷	۱۳/۰۴	۹/۳
۱۳۴۸	۱۴/۶۶	۹/۲۳
۱۳۴۹	۱۵/۴۱	۹/۵۷
۱۳۵۰	۶۶/۶۷	۹/۵۶
۱۳۵۱	۱۹/۹۶	۹/۲۴
۱۳۵۲	۲۲۸/۰۰	۱۰/۸۱
۱۳۵۳	۱۵۲/۶۳	۱۰/۸۷
۱۳۵۴	-۴/۹۹	۱۱/۳۹
۱۳۵۵	۲۰/۶۹	۱۴/۲۳
۱۳۵۶	-۳/۰۱	۱۳/۵۹
۱۳۵۷	-۲۲/۷۵	۱۵/۴۲
۱۳۵۸	۷/۰۱	۱۳/۲۶
۱۳۵۹	-۳۹/۹۲	۱۶/۳۳
۱۳۶۰	۶/۹۳	۱۶/۳۸
۱۳۶۱	۶۰/۹۸	۱۴/۹۷

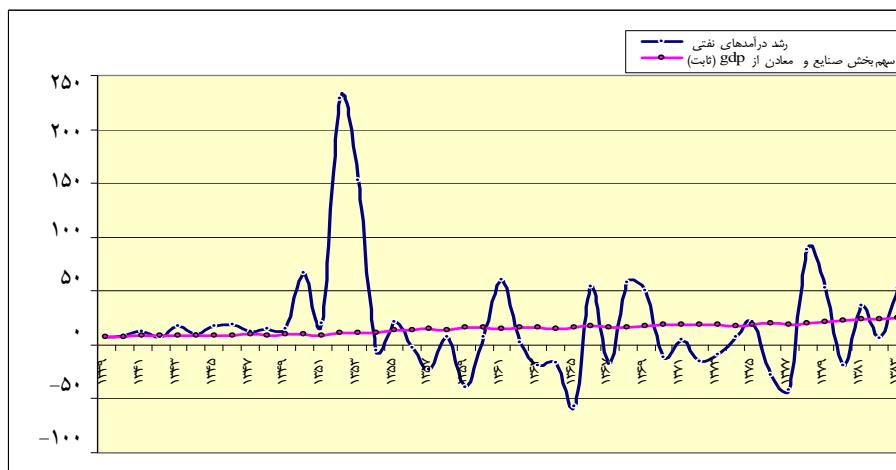
۱۲۴ فصلنامه پژوهشها و سیاستهای اقتصادی شماره‌های ۳۹ و ۴۰

۱۵۱ جدول شماره ۳

سال	رشد درآمدهای نفتی	سهم بخش صنایع و معادن از GDP (ثابت)
۱۳۶۲	۲/۰۳	۱۵/۶۳
۱۳۶۳	-۱۸/۵۴	۱۵/۷
۱۳۶۴	-۱۶/۱۸	۱۴/۷۹
۱۳۶۵	-۵۷/۱۷	۱۶/۴۱
۱۳۶۶	۵۳/۶۱	۱۷/۳۲
۱۳۶۷	-۱۷/۳۱	۱۶/۲۵
۱۳۶۸	۵۷/۸۳	۱۵/۶۸
۱۳۶۹	۵۰/۰۳	۱۷/۳۸
۱۳۷۰	-۱۱/۰۱	۱۹/۰۱
۱۳۷۱	۵/۴۲	۱۸/۶۳
۱۳۷۲	-۱۵/۰۹	۱۸/۳۴
۱۳۷۳	-۸/۹۸	۱۸/۳۹
۱۳۷۴	۷/۵۹	۱۷/۶۱
۱۳۷۵	۲۱/۷۴	۱۹/۳۲
۱۳۷۶	-۲۷/۶۱	۲۰/۰۳
۱۳۷۷	-۴۱/۹۳	۱۸/۷۳
۱۳۷۸	۸۷/۸۶	۲۰/۱۴
۱۳۷۹	۵۲/۷۱	۲۱
۱۳۸۰	-۱۸/۷	۲۲/۴۱
۱۳۸۱	۳۶/۱۳	۲۳/۴۶
۱۳۸۲	۵/۷۶	۲۳/۶۷
۱۳۸۳	۵۲/۷	۲۴/۴۸

ضریب همبستگی: ۰/۷۴۳۰

### نمودار ۳. مقایسه سهم بخش صنایع و معادن از GDP (ثابت) با رشد درآمدهای نفتی



مأخذ: ترازنامه بانک مرکزی

برای بررسی دقیق‌تر وضع بخش صنعت در رابطه با تغییرات تولید ناخالص داخلی به مقایسه دو متغیر رشد درآمدهای نفتی و رشد ارزش افزوده صنایع و معادن پرداخته شده است. ضریب همبستگی بین این دو متغیر در کل دوره مورد بررسی مثبت ولی کمتر از ۵۰ درصد بوده است.

(جدول شماره ۴)

به بیان دیگر بخش صنعت و معدن در ایران برخلاف تجربه کشورهای توسعه یافته و برخی کشورهای در حال توسعه نظیر کویت و عربستان سعودی، با پدیده "ضد صنعتی" روبرو نبوده است. یکی از دلایل مهم این امر - در طرف تقاضا - حمایتهای دولت از بخش صنعت بوده است. این امر موجب بی نیازی این بخش به بازارهای خارجی و اتکاء آن به بازارهای داخل بوده است.

به طور خلاصه در اقتصاد ایران، مقایسه سهم ارزش افزوده بخش‌های مختلف از تولید ناخالص داخلی با درآمدهای نفتی، نمی‌تواند به عنوان شاخصی مناسب برای بررسی پدیده بروز بیماری هلندی محسوب شود زیرا بخش صنعت به دلیل حمایتهای دولت، متکی به بازارهای داخلی است و با افزایش تزریق درآمدهای ارزی بروز پدیده ضد صنعتی دور از انتظار است. از آنجا که ارزش افزوده بخش کشاورزی نیز بیش از وابستگی به نفت به میزان بارندگی وابسته است، با افزایش درآمدهای نفتی پدیده ضد کشاورزی نیز رخ نخواهد داد یا وقوع آن را نمی‌توان

## ۱۲۶ فصلنامه پژوهشها و سیاستهای اقتصادی شماره‌های ۳۹ و ۴۰

به نوسانات درآمد نفت تعبیر کرد. رشد بخش خدمات نیز بیش از اینکه وابسته به درآمد نفت باشد به فرآیند توسعه اقتصادی کشور وابسته است.

**جدول شماره ۴. مقایسه رشد ارزش افزوده صنایع و معادن (ثابت)  
با رشد درآمدهای نفتی**

سال	رشد درآمدهای نفتی	رشد ارزش افزوده صنایع و معادن - ثابت
۱۳۳۸	-	-
۱۳۳۹	۶/۹۲	۱۰/۲
۱۳۴۰	۸/۷۵	۱۹/۴
۱۳۴۱	۱۲/۰۷	۷/۲
۱۳۴۲	۷/۶۹	۱۴/۵
۱۳۴۳	۱۷/۹۷	۲/۷
۱۳۴۴	۹/۳۸	۲۴/۴
۱۳۴۵	۱۷/۸۳	۶/۲
۱۳۴۶	۱۸/۴۵	۱۳/۵
۱۳۴۷	۱۳/۰۴	۱۶/۷
۱۳۴۸	۱۴/۶۶	۱۱/۸
۱۳۴۹	۱۵/۴۱	۱۳/۹
۱۳۵۰	۹۹/۶۷	۱۲/۵
۱۳۵۱	۱۹/۹۶	۱۲/۸
۱۳۵۲	۲۲۸/۰۰	۲۵/۷
۱۳۵۳	۱۵۲/۶۳	۱۳/۱
۱۳۵۴	-۴/۹۹	۹/۹
۱۳۵۵	۲۰/۸۹	۴۶/۹
۱۳۵۶	-۳/۰۱	-۶/۷
۱۳۵۷	-۲۲/۷۵	۵/۱
۱۳۵۸	۷/۰۱	-۱۷/۶
۱۳۵۹	-۳۹/۹۲	۴/۵
۱۳۶۰	۶/۹۳	-۴/۱
۱۳۶۱	۶۰/۹۸	۲/۸
۱۳۶۲	۲/۰۳	۱۶
۱۳۶۳	-۱۸/۵۴	-۲۰/۵
۱۳۶۴	-۱۶/۱۸	۱/۸
۱۳۶۵	-۵۷/۱۷	-۱۳/۷
۱۳۶۶	۵۳/۶۱	۱۴/۴
۱۳۶۷	-۱۷/۳۱	۸/۸

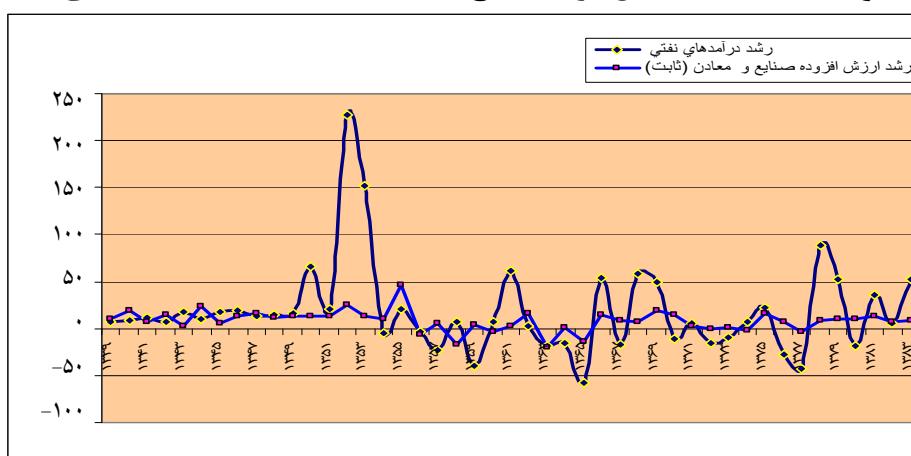
## بررسی آثار درآمدهای نفتی بر اقتصاد ایران.... ۱۲۲

۱۵۱م جدول شماره ۴

سال	رشد درآمدهای نفتی	رشد ارزش افزوده صنایع و معادن - ثابت
۱۳۶۸	۵۷/۸۳	۷/۱
۱۳۶۹	۵۰/۰۳	۱۹/۶
۱۳۷۰	-۱۱/۰۱	۱۴
۱۳۷۱	۵/۴۲	۱/۹
۱۳۷۲	-۱۵/۰۹	-۰/۱
۱۳۷۳	-۸/۹۸	۰/۸
۱۳۷۴	۷/۵۹	-۱/۵
۱۳۷۵	۲۱/۷۴	۱۶/۴
۱۳۷۶	-۲۷/۶۱	۶/۶
۱۳۷۷	-۴۱/۹۳	-۳/۸
۱۳۷۸	۸۷/۸۶	۹/۲
۱۳۷۹	۵۲/۷۱	۹/۵
۱۳۸۰	-۱۸/۷	۱۰/۲
۱۳۸۱	۳۶/۱۳	۱۲/۶
۱۳۸۲	۵/۷۶	۷/۸
۱۳۸۳	۵۲/۷	۸/۴

ضریب همبستگی: -۰/۰۹۲۸

نمودار ۴. مقایسه رشد ارزش افزوده صنایع و معادن (ثابت) با رشد درآمدهای نفتی



### ۳-۵. مقایسه درآمدهای نفتی و واردات

یکی از بخشهایی که در بی شوک نفتی دستخوش تغییرات می‌شود، بخش تجارت خارجی و به طور مشخص واردات کالاها است که در بخش قبل به عنوان یک عامل عینی و مستقل از ساختار اقتصادی و نظام مالی آنها مورد تأکید قرار گرفت. البته با توجه به شرایط هر کشور متغیرهای متفاوتی می‌تواند بر واردات آن کشور اثر بگذارد و حجم و ترکیب آن را تعیین کند. در کشور ما بیشتر درآمدهای ارزی، از فروش نفت به دست می‌آید و احتمال دارد که با افزایش درآمدهای نفتی، واردات افزایش یابد. واردات نیز با توجه به اینکه کالای سرمایه‌ای، واسطه‌ای یا مصرفی چه سهمی از آن را تشکیل بدهد آثار گوناگونی بر اقتصاد به جا می‌گذارد. بنابراین واردات یکی از مجراهای انتقال افزایش درآمدهای نفتی به سایر بخش‌های اقتصاد محسوب می‌شود که علاوه بر پاسخگویی به تقاضای ایجاد شده، موجب رشد یا تضعیف بخش مبالغه پذیر می‌شود.<sup>۱</sup>

در ایران درآمدهای نفتی منع اصلی درآمدهای ارزی به شمار می‌آید. در نتیجه افزایش صادرات نفتی تأثیر قابل توجهی به تقاضای واردات داشته به گونه‌ای که واردات ایران از ۸۶۰ میلیون دلار در سال ۱۳۴۴ به حدود ۱۱۸۶/۴ میلیون دلار در سال ۱۳۵۴ رسیده است، یعنی حدود  $\frac{1}{3}$  برابر شده است. همراه با بالا رفتن درآمد نفتی، واردات از سال ۱۳۵۴ تا ۱۳۵۶، به طور متوسط سالیانه حدود ۴۰/۶ درصد افزایش یافته است. طی سالهای اخیر نیز با افزایش درآمدهای نفتی، واردات هر سال با رشد قابل توجهی روپرور بوده است. به این ترتیب واردات را نمی‌توان به عنوان یکی از عاملهای اصلی در تشدید بیماری هلنلی دانست و اثر آن را در کنار اثر حرکت منابع و اثر مخارج برای تحلیل آثار بیماری هلنلی به کار گرفت. لازم به یادآوری است که افزایش در واردات به خودی خود، شاخصی برای بیان بیماری هلنلی نیست، بلکه این شاخص فقط یکی از عوامل تشدید آن است.

برای بررسی دقیق تر رابطه رشد واردات و درآمدهای نفتی، به مقایسه رشد درآمدهای نفتی و نرخ رشد نسبت واردات به تولید ناخالص داخلی می‌پردازیم.

---

۱. صادق بختیاری، "بررسی آثار افزایش درآمدهای نفتی بر بخش کشاورزی"، مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال نهم، شماره ۳۵، پائیز ۱۳۸۰.

بررسی آثار درآمدهای نفتی بر اقتصاد ایران.... ۱۲۹

**جدول شماره ۵. مقایسه نرخ رشد (GDP / واردات) با رشد درآمدهای نفتی**

سال	رشد درآمدهای نفتی /GDP (واردات)	نرخ رشد (GDP /واردات)
۱۳۳۸	-	-
۱۳۳۹	۶/۹۲	-۴/۷۰۱
۱۳۴۰	۸/۷۵	-۸/۷۷۷
۱۳۴۱	۱۲/۰۷	-۱۳/۴۶۲
۱۳۴۲	۷/۶۹	-۷/۹۷۵
۱۳۴۳	۱۷/۹۷	۳۱/۳۳۱
۱۳۴۴	۹/۳۸	۲/۱۷۷
۱۳۴۵	۱۷/۸۳	۸/۵۱۲
۱۳۴۶	۱۸/۴۵	۱۱/۹۹۳
۱۳۴۷	۱۳/۰۴	۴/۹۰۴
۱۳۴۸	۱۴/۶۶	۳/۴۳۶
۱۳۴۹	۱۵/۴۱	۱/۵۷
۱۳۵۰	۶۶/۶۷	۰/۳۴۱
۱۳۵۱	۱۹/۹۶	۱/۴۳۹
۱۳۵۲	۲۲۸/۰۰	-۵/۵۲۶
۱۳۵۳	۱۵۲/۶۳	۱۲/۲۷۴
۱۳۵۴	-۴/۹۹	۵۰/۶۷۷
۱۳۵۵	۲۰/۶۹	-۱۹/۲۱۶
۱۳۵۶	-۳/۰۱	۴/۹۱۳
۱۳۵۷	-۲۲/۷۵	-۲۴/۳۶۴
۱۳۵۸	۷/۰۱	-۳۱/۱۶۲
۱۳۵۹	-۳۹/۹۲	۸۲/۸۴۲
۱۳۶۰	۹/۹۳	-۴/۷۷۵
۱۳۶۱	۹۰/۹۸	-۲۴/۵۸۷
۱۳۶۲	۲/۰۳	۱۹/۸۶۸
۱۳۶۳	-۱۸/۵۴	-۳۱/۱۰۲
۱۳۶۴	-۱۶/۱۸	-۱۴/۳۳۴
۱۳۶۵	-۰۷/۱۷	-۲۷/۴۰۸
۱۳۶۶	۵۳/۶۱	-۱۶/۸۳۱
۱۳۶۷	-۱۷/۳۱	۶۳/۹۵۷
۱۳۶۸	۵۷/۸۳	۲۸/۱۲۸
۱۳۶۹	۵۰/۰۳	۳۲/۶۶
۱۳۷۰	-۱۱/۰۱	۲۸/۴۶۶
۱۳۷۱	۵/۴۲	-۹/۷۸۹
۱۳۷۲	-۱۵/۰۹	-۲۷/۷۶۱

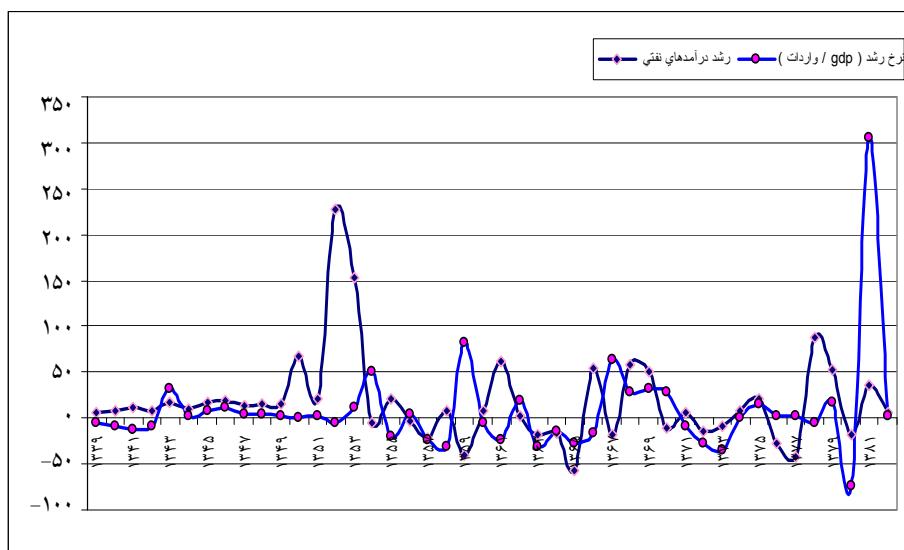
۱۳۰ فصلنامه پژوهشها و سیاستهای اقتصادی شماره‌های ۳۹ و ۴۰

ادامه جدول شماره ۵

سال	رشد درآمدهای نفتی /واردادات (GDP)	نرخ رشد (GDP / واردات)
۱۳۷۳	-۳۴/۸۲۴	-۸/۹۸
۱۳۷۴	۰/۳۰۲	۷/۵۹
۱۳۷۵	۱۵/۱۷۸	۲۱/۷۴
۱۳۷۶	۲/۷۰۹	-۲۷/۹۱
۱۳۷۷	۲/۳۹۴	-۴۱/۹۳
۱۳۷۸	-۴/۷۷۲	۸۷/۸۶
۱۳۷۹	۱۷/۴۲۸	۵۲/۷۱
۱۳۸۰	-۷۳/۴۸۳	-۱۸/۷
۱۳۸۱	۳۰۵/۰۵۶	۳۶/۱۳
۱۳۸۲	۲/۰۱	۵/۷۶
۱۳۸۳		۵۲/۷

ضریب همبستگی: ۰/۱۵۵۲

نمودار ۵. مقایسه نرخ رشد (GDP / واردات) با رشد درآمدهای نفتی



مأخذ: تراز نامه بانک مرکزی

بررسی آماری نرخ رشد واردات به تولید ناخالص داخلی و رشد درآمدهای نفتی نشان‌دهنده ارتباط مثبت ولی بسیار ضعیف این دو متغیر است. به عبارت دیگر با افزایش

## بررسی آثار درآمدهای نفتی بر اقتصاد ایران.... ۱۳۱

درآمدهای نفتی، نرخ رشد واردات به تولید ناخالص داخلی افزایش یافته است ولی برخلاف انتظار این رابطه بسیار ضعیف است.

با افزایش درآمدهای نفتی واردات به شدت رشد یافته است اما به دلیل تنگناهای ساختاری اقتصاد سهم این رشد از تولید ناخالص داخلی در مقایسه با رشد درآمد نفت، قابل توجه نبوده است.

### ۴-۵. درآمدهای نفتی و رشد اقتصادی

با افزایش درآمدهای ارزی حاصل از بروز رونق در یک بخش تولیدکننده کالاهای صادراتی (معمولًاً مواد معدنی مانند نفت و گاز) پیش‌بینی می‌شود که رشد اقتصادی افزایش یابد.

بررسی آماری دو متغیر رشد اقتصادی و درآمدهای نفتی (جدول شماره ۶) ضریب همبستگی مثبت بین این دو متغیر در کل دوره مورد بررسی را نشان می‌دهد. اما در رابطه با این دو متغیر نیز برخلاف مبانی نظری، این ضریب کمتر از ۵۰ درصد بوده است. در واقع با افزایش درآمدهای نفتی، رشد اقتصادی بسیار کمتر از مقادیر مورد انتظار افزایش یافته است. به بیان دیگر تنگناهای ساختاری در اقتصاد ایران باعث تاثیرپذیری کم رشد اقتصادی از رشد درآمدهای نفتی شده است و تزریق این درآمد فقط افزایش قیمتها را به همراه داشته است.

جدول شماره ۶. مقایسه نرخ رشد اقتصادی با رشد درآمدهای نفتی

سال	رشد درآمدهای نفتی	نرخ رشد اقتصادی
۱۳۳۸	-	-
۱۳۳۹	۶/۹۲	۱۰/۳
۱۳۴۰	۸/۷۵	۷/۴
۱۳۴۱	۱۲/۰۷	۶/۴
۱۳۴۲	۷/۶۹	۵/۷
۱۳۴۳	۱۷/۴۷	۷/۵
۱۳۴۴	۹/۳۸	۱۵/۸
۱۳۴۵	۱۷/۸۳	۹/۴
۱۳۴۶	۱۸/۴۵	۱۰/۸
۱۳۴۷	۱۳/۰۴	۱۲/۲
۱۳۴۸	۱۴/۶۶	۱۲/۷
۱۳۴۹	۱۵/۴۱	۹/۸
۱۳۵۰	۹۶/۶۷	۱۳/۶
۱۳۵۱	۱۹/۹۶	۱۶/۷
۱۳۵۲	۲۲۸/۰۰	۷/۵

۱۳۲ فصلنامه پژوهشها و سیاستهای اقتصادی شماره‌های ۳۹ و ۴۰

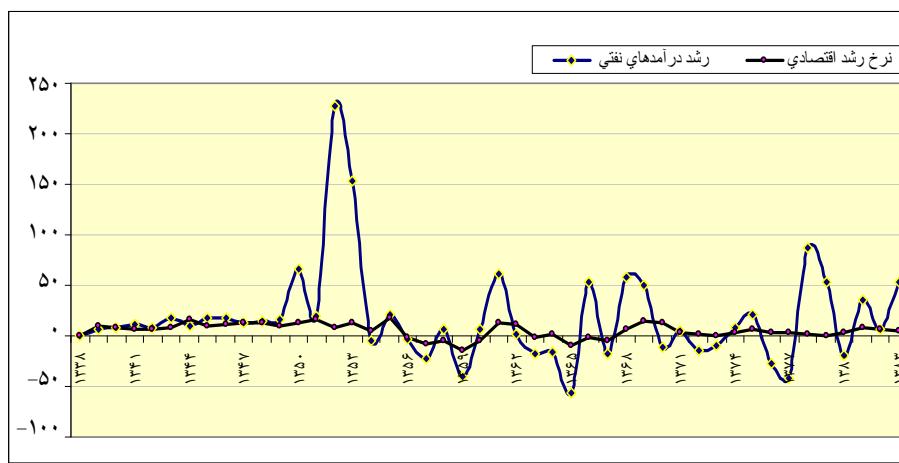
۱۵۰ جدول شماره ۶

سال	رشد درآمدهای نفتی	نرخ رشد اقتصادی
۱۳۵۳	۱۵۲/۶۳	۱۲/۵
۱۳۵۴	-۴/۹۹	۴/۸
۱۳۵۵	۲۰/۶۹	۱۷/۶
۱۳۵۶	-۳/۰۱	-۲/۳
۱۳۵۷	-۲۲/۷۵	-۷/۴
۱۳۵۸	۷/۰۱	-۴/۲
۱۳۵۹	-۳۹/۹۲	-۱۵/۱
۱۳۶۰	۶/۹۳	-۴/۴
۱۳۶۱	۶۰/۹۸	۱۲/۶
۱۳۶۲	۲/۰۳	۱۱/۱
۱۳۶۳	-۱۸/۵۴	-۲
۱۳۶۴	-۱۶/۱۸	۲
۱۳۶۵	-۵۷/۱۷	-۹/۱
۱۳۶۶	۵۳/۶۱	-۱
۱۳۶۷	-۱۷/۳۱	-۵/۵
۱۳۶۸	۵۷/۸۳	۵/۹
۱۳۶۹	۵۰/۰۳	۱۴/۱
۱۳۷۰	-۱۱/۰۱	۱۲/۱
۱۳۷۱	۵/۴۲	۴
۱۳۷۲	-۱۵/۰۹	۱/۵
۱۳۷۳	-۸/۹۸	۰/۵
۱۳۷۴	۷/۵۹	۲/۹
۱۳۷۵	۲۱/۷۴	۶/۱
۱۳۷۶	-۲۷/۶۱	۲/۸
۱۳۷۷	-۴۱/۹۳	۲/۹
۱۳۷۸	۸۷/۸۶	۱/۶
۱۳۷۹	۵۲/۷۱	۰/۵
۱۳۸۰	-۱۸/۷	۳/۳
۱۳۸۱	۳۶/۱۳	۷/۶
۱۳۸۲	۵/۷۶	۶/۸
۱۳۸۳	۵۲/۷	۴/۸

ضریب همبستگی: -۰/۱۸۲۶

## بررسی آثار درآمدهای نفتی بر اقتصاد ایران.... ۱۳۳

### نمودار ۶. مقایسه نرخ رشد اقتصادی با رشد درآمدهای نفتی



مأخذ: ترازنامه بانک مرکزی

### ۶. نتیجه‌گیری

مطالعات اقتصادی در مورد بیماری هلندری نشان‌دهنده طیف گسترده‌ای از تعاریف در مورد این پدیده است. بیشتر این تعاریف براساس ساختار اقتصادی کشورهای مختلف شکل گرفته است.

آنچه از بررسی این پدیده در کشور ما قابل استخراج است به این ترتیب است:

- بررسی این پدیده در کشور ما می‌بایست با توجه به دو ویژگی مهم صورت پذیرد: اول اینکه، دولت انحصار کامل بر درآمدهای حاصل از نفت دارد و به طریق اولی تعیین نحوه جذب منابع حاصل از این درآمدها توسط دولت صورت می‌پذیرد و دوم، برخی از عوارض برشموده شده برای شناسایی بیماری هلندری را لزوماً نمی‌توان به این بیماری منتبه کرد. شاید این عوارض نشان‌دهنده بروز مشکل دیگری در اقتصاد است.
- یکی از عوارض مورد اتفاق در اغلب تعاریف مربوط به بیماری هلندری، بروز اختلال در قیمت‌های نسبی است. به بیان دیگر با تزریق درآمدهای نفتی پیش‌بینی می‌شود قیمت کالاهای غیرقابل مبادله به شدت افزایش یابد که این امر خود منجر به بروز سفت‌بازی در خصوص کالاهای غیرقابل مبادله می‌شود. بررسی شاخص یادشده در کشور ما بهدلیل محدودیتهای آماری در مورد تعریف این دو گروه از کالاهای با استفاده از متغیرهای جانشین صورت پذیرفته است. استفاده از شاخصهای جانشین استنتاج نتایج قطعی را دشوار می‌کند، اما روند افزایش این شاخص به‌ویژه در سالهای اخیر احتمال وقوع بیماری هلندری را در کشور رد نمی‌کند.

## ۱۳۴ فصلنامه پژوهشها و سیاستهای اقتصادی شماره‌های ۳۹ و ۴۰

- سایر شاخصهای تبیین کننده وجود این بیماری در اقتصاد از کارایی کافی در اقتصاد ایران برخوردار نیستند. به طور مثال ارزش افزوده بخش صنعت از تولید ناخالص داخلی به دلیل حمایتهای گسترده دولت از این بخش، شاخص مناسبی ارزیابی نمی‌شود.
- براساس تعاریف اولیه از بیماری هلندی، بروز این پدیده در اقتصاد توأم با کاهش رشد اقتصادی است. داده‌های آماری موجود در اقتصاد ایران وجود چنین پدیده‌ای را در اقتصاد تأیید نمی‌کند.

به رغم تایید نشدن بروز پدیده بیماری هلندی در اقتصاد ایران – با استفاده از شاخصهای موجود- تزریق درآمدهای نفتی بیش از قدرت جذب اقتصاد، افزایش داراییهای خارجی بانک مرکزی، رشد پایه پولی، رشد نقدینگی، نبود توازن تراز بازار گرانی و نظایر آنها را به همراه داشته است و بروز این عوارض با هر نامی عواقب زیانباری را به کشور تحمیل کرده است که در این مورد برخی توصیه‌ها ارائه می‌شود:

الف- به عنوان یک راه حل کوتاه مدت، اصلی‌ترین سیاست باید برقراری یک نرخ آهسته‌تر برای تزریق درآمدهای نفتی به اقتصاد کشور از بودجه دولت باشد که انضباط در مصرف منابع حساب ذخیره ارزی را طلب می‌کند.

ب- ترکیب مخارج دولتی (که هزینه کننده درآمدهای نفتی است) به شدت بر طرف عرضه اقتصاد تأثیر می‌گذارد. از این‌رو درآمدهای نفتی باید در جهتی خرج شود که به تنوع تولید و صادرات بیانجامد تا در زمان کاهش قیمت نفت یا پایان‌پذیری منابع نفتی، اقتصاد دچار شوک شدید نشود.

ج- یکی از راههای مرسوم برای تخفیف آثار زیانبار بیماری هلندی، کنترل سرعت افزایش تقاضای کل است. این کار می‌تواند از طریق سرمایه‌گذاری در خارج یا کاهش سطح بهره‌برداری از ذخایر صورت پذیرد. راه دیگر ایجاد ذخیره ارزی برای موقع بحرانی است. در کشور ما راه سوم انتخاب شده است، در این راستا بر برداشت نکردن از این حساب و به‌ویژه تزریق نکردن آن از طریق بخش دولتی تأکید می‌شود.

د- ایجاد پروژه‌های عظیم و سرمایه‌بر، در کوتاه‌مدت یکی از راههای تعديل آثار تزریق درآمد نفت به اقتصاد تلقی می‌شود، ولی باید توجه کرد که این سیاست به آسیب‌پذیری و وابستگی صنایع به قیمتهای نفت که یک متغیر بروزنا و خارج از کنترل است می‌انجامد.

منابع  
الف) فارسی

- بختیاری، صادق (۱۳۸۰)، "بررسی آثار افزایش درآمدهای نفتی بر بخش کشاورزی"، مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال نهم، شماره ۳۵، پاییز.
- جودری، دانیس و اختر حسین (۱۳۸۲)، سیاستهای پولی و مالی در کشورهای در حال توسعه رشد و ثبات، ترجمه محمد آسیایی و مسعود باباخانی تهران، پژوهشکده امور اقتصاد ملی.
- شهشهانی، احمد (۱۳۵۷)، الگوی اقتصادسنگی و کاربردهای آن، تهران، مؤسسه توسعه و تحقیقات اقتصادی دانشگاه تهران.
- فردمنش، محسن (۱۳۷۰)، تأثیر درآمدهای نفتی بر اقتصاد ایران، مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- کهزادی، نوروز (۱۳۸۴)، "بررسی تجارب کشورها در اداره صندوقهای ذخیره ارزی"، بانک توسعه صادرات، شهریور ۱۳۸۴ صفحات ۱۱-۱۴.
- گلریز، حسن (۱۳۸۰)، فرهنگ توصیفی اصطلاحات پول، بانکداری و مالیه بین المللی، انگلیسی-فارسی، ویرایش ۲، تهران، فرهنگ معاصر.
- نصری، قدیر (۱۳۸۰)، نفت و امنیت ملی، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- یدا...زاده طبری، ناصر (۱۳۷۹)، "درآمدهای نفتی و بیماری هلندی"، مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی، خرداد و تیر.

ب) انگلیسی

- Rutherford, Donald, (2002) *Routledge Dictionary of Economics* [Second Edition], New York,: Routledge, Taylor and Francis Group.
- Rick lam, Leonard Wantchekon (2002), "Political Dutch Diseas", November.

ج) سایت

[www.nyu.edu/gsas/dept/politics/faculty/wantchekon/research/dutch.pdf](http://www.nyu.edu/gsas/dept/politics/faculty/wantchekon/research/dutch.pdf)